

شَف، شَف، نی شفتالو!



پیوسته گذشته بخش صدو نوزدهم :

میگویند شخصی برای نصب یکپایه تلفن مو بانیل ثبت نام کرده بود به وی گفتند که شرائط نصب تلفن رانداری و نه میتوانی تلفن داشته باشی ، شخص تقاضا کننده بصورت فوری یک پوش موبایل را به کمر بند اش بست و بالای آن نوشت که : **بلا فاصله بعد از فراهم شدن شرائط در همین مکان دستگاه تلفن موبایل نصب می شود .**



بدون تردید حال و احوال مدیریت جامعه ما نیز روی پایه های لرزان و عده های سرخرمن استوار است که نقشه آن در کنفرانس تاریخی بن پایه گذاری گردیده است ، من در شگفتم به حال کسانی که روزگاری از جامعه بدون طبقات سخن می گفتند و عدالت را با قاشق های تیوری مارکسیسم اندازه گیری میکردند امروز بدون آنکه علت بازگشت صد و هشتاد درجه ای شان بسوی نظام منحط سرمایه داری با قرئت مافیایی را توضیح و بیان کنند همدست مافیایی سنتی حاکم بر افغانستان شده و مردم فقیر جامعه را با دشلمه بد مزه «**صبر ارتجعی !!**» در قربانگاه طبقات حاکمه ذبح شرعی!! میکنند .

<https://www.youtube.com/watch?v=BrhjGTcCDGE>

البته واضح و روشن است که در ماست مالی کردن و توجیه ساختن این وضعیت ناگوار در تاریخ افغانستان با صرف نظر از اینکه طبقات چیز فهم و شبه روشنفکران جامعه ما برخاسته از بستر چه تفکر و اندیشه ای اند و یاهم برای حل معضلات امروزی چه راه حل های را ارائه میدارند اکثریتی از روشنفکران و درسخوانده گان نقش اساسی را ایفا مینمایند. زیرا غالباً می بینیم و دیده ایم که حتی آدم های روشن و گاهی هم کتابخوان و روشنفکری که با داشتن اندیشه های افراطی مذهبی و یاهم چپ مارکستی شهرت داشتند بدون آنکه فاصله میان اهداف و اندیشه های خود و سیستم حاکم را با پارامترهای عدالت و حرمت به انسان اندازه گیری نمایند بی صبرانه تلاش میکنند تا در سفره ای که از

سوی ارباب خود خوانده جهان به عزم و اراده غارت نه تنها ثروت های ملی این کشور فقیر بلکه محو هویت تاریخی و تمدنی کشوری بنام افغانستان پهن گردیده است ارتزاق کنند !!
بارک الله به هوش همه تان که پشه را در هوا شکار می فرمائید. برآستی که راه پولدار شدن را خوب شناخته اید !.



جالب و سخت شگفت انگیز است برخی از رجال و شخصیت های جهادی و زرانوز مافیائی که اندوخته های چندین ساله **جهاد "سیا" سی** را برای زعامت چنین سیستم مافیائی شبه سرمایه داری به میدان آورده بودند و خود را برای پست سردسته دزدان و غارتگران حاکم بر کشور فقیر افغانستان یعنی "ریا" ست جمهوری مناسب تشخیص داده بودند وقتی نه میتوانند برای احراز مقام سردسته دزدان و غارتگران شرائط لازم مافیای خارجی حاکم را حاصل کنند ، مانند سادوهای قصه گو برای به خنده درآوردن شهروندان فقیر جامعه بدون آنکه خود راه حلی و نقشه راهی برای مشکلات اقتصادی و اجتماعی عرضه نمایند از سوی سران مافیای حاکم در تناسب به استعداد شان به کارگماشته میشوند .

<https://www.youtube.com/watch?v=vllwx-91lO0>

محمد شفیق معروف به گل آغا از پای لوچهای قندهار اینگونه وبا چنین ادبیات بهشت را به معرفی میگیرد .

چنانچه گل آغا شیرزوی معروف به **بلدوزر** فرزند مرحوم حاجی عبدالطیف مشهور به لالی آغا که در سوابق جهادی اش ارادت به خانقاه پیر سید احمد گیلانی خلیفه طریقه قادریه شریف نیز به چشم می خورد آنگاهی که خود را در آئینه رنگینی از پای لوچها و عیاران قندهار باستانی مشاهده نمود و جثه فیل مانند اش را در آن به ارزیابی گرفت بلادرنگ کارت مشارکت در بازی قدرت را بلند ساخت ، اما با دریغ و تأسف که بسیار زود دریافت که در بازی کثیف قدرت نه میتواند خوب بدرخشد لهذا با دست کشیدن واستعفاً از مقام کاندیداتوری برای "ریا" ست سردسته مافیا دریکی از روزهای بهاری و در پیشگاه صدها تن از ارادتمندان خود که برای شنیدن سخنان طنز گونه ء حضرت **بلدوزر** حضور به هم رسانیده بودند چنین ابراز فرمودند :

<https://www.youtube.com/watch?v=sAqR-9spao4>

من متهم میکنم ! (۱)

حقیقت مطلب این است که آنچه تا اکنون از جریان روشنفکری در افغانستان دیده ایم و هنوز هم ادامه دارد مسأله ای نیست که به این سادگیها از آن باید گذشت اکنون به آنچه در رابطه با مسأله ای فوق میتوان گفت اشاره میکنم . چنانچه در مبحث ایجاد و هسته گذاری حرکت های آزادیبخش ملی به اهمیت ایدئولوژی بحیث پایه ومبنای استمرار رهبری سیاسی جوامع انسانی متذکر گردیدیم که با دریغ و تأسف اکثریتی از هسته های روشنفکری در جامعه افغانی بدون توجه به قداست ایدئولوژیک آنها در

امتداد لحظات خونین تاریخ افغانستان از سوی حاکمیت استبدادی به عنوان ستون های مشروعیت دهی برای استبداد حاکمان عمل میکنند و این امر سبب شده که درمغائرت با فلسفه وجودی احزاب ، سازمانهای اجتماعی و شبه مدنی به بلند گویای استبداد حاکم مبدل گردند . چنانچه قبلاً و درمبحث تعریف ایدئولوژی متذکر شدیم ایدئولوژی " چگونه شدن " و چگونه رفتن " را حکم میکند لهذا اصولاً اگر ما از انسان به مثابه یک حلقه فعال در کائنات و دارای نیازمندی های عقلانی در تاریخ بشر شناخت و برداشتی نداشته باشیم نه میتوان برای انسان یک نقشه علمی راه یک حرکت تمدنی را طراحی کرد ، من به عنوان یک درس خوانده **حوزه تاریخ و جامعه شناسی دینی** اکیداً باور دارم که وجود استقلال فردی و آزادیهای انسانی بهترین ضمانت هویتی حرکت های آزادی بخش ملی و اجتماعی به شمار میرود . به باور من به این گفته معروف رنه دکارت René Descartes فیلسوف معروف فرانسه که میگفت " **می اندیشم، پس هستم** " باید در تمامی مراحل تکاملی بشر توجه مبذول گردد چون انسان می اندیشد پس وجود دارد و این اندیشیدن را لاجرم در قالب یک مجموعه ای بنام ایدئولوژی به تاریخ عرضه میدارد . وقتی از آزادی انسان سخن میگوئیم باید قلمرو مفهوم استقلال و آزادی را در پرتو احکام پویا ، علمی و ایدئولوژیک تعریف نمائیم . که نه میتوان بدون پارامترهای ایدئولوژیک که خوب و بد را به تشخیص میگیرد از آزادی و استقلال تعریف بدرد بخوری را بوجود آورد . جای بسیار تأسف و تألم است که ما در عصری زندگی میکنیم که برای مدیریت و برنامه ریزی انسانهای که در یک جغرافیای خاص و یک مقطع ویژه تاریخی با ظرفیت های مختلف پیشرفت و ترقی به سر میبرند از سوی معماران طماع استعمارگر و پادوهای مخلص شان نقشه راه را ترسیم و تعیین میگردد .



بدون شک اگر از یکسو استعمار به کمک مهره های بومی و محلی نقشه های پیچیده ای از اسارت ملتها را ترسیم و طراحی میکند از سوی دیگر مردم امروز آگاه تر و بیدارتر از آنند که شیوه های اسارت و لجن مال کردن استعمار در عصر حاضر را نه شناسند .

<https://www.youtube.com/watch?v=TgJRdlvfjFA>

اینجاست که امروز سازمانها و نهاد های که حتی از سوی استعمار جهانی تغذیه میگردند نه میتوانند بر دروغ های نظام حاکم چشم بپوشانند . چنانچه وقتی در آستانه و پیشواز کنفرانس گدائی !! ناتو در وارسا پایتخت لهستان یک نهاد تشریفاتی شورای عالی ضد فساد تأسیس گردید و محمد حنیف اتمر بزرگترین مهره دروغگویی سازمان MI6 انگلیس در یک کنفرانس مطبوعاتی از مبارزه با فساد سخن میگفت

<https://www.youtube.com/watch?v=8wwnISSoYTI>

آقای محمد اکرام افضلی رئیس سازمان جهانی دیده بان برای افغانستان با صراحت و شفافیت مبارزه حکومت افغانستان برای محو فساد را یک کمیدی خنده آور توصیف نمودند و گفتند که در شماری از نهاد های امنیتی حتی پنجاه درصد نیروهای امنیتی خیالی هستند و گفتند : گزارشهای که ما در دست داریم نشان میدهند که در بعضی واحد های امنیتی افغانستان حتی تا پنجاه درصد عساکر و حتی پولیس خیالی وجود دارند و تعینات و تقرری ها به اساس روابط صورت میگیرد



وگفتند که بیش از نیم نیروهای امنیتی افغانستان وجود فزیزیکی ندارند و پول های که به نام نیروهای امنیتی گرفته میشوند در جیب اشخاص و دلالان مافیای حاکم میریزند



۱: باقتباس از عنوان کتاب من متهم میکنم! اثری روزنامه نویس معروف فرانسه [امیل زولا](#)